

چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۵

وطن امروز | شماره ۴۶۷۸

صفحه آخر



امام صادق (ع):

عافیت، نعمتی سبک وزن است؛ تا عسفت، فراموشی می‌شود و چون رفعت، به یاد می‌آید.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد اخوندی

مدیرعامل: رضا شکیبایی

سرمدیور: سید علیدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲ | فکس: ۶۶۴۱۳۷۹۲
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir | وبسایت: vatanemrooz.ir

چاپ: موسسه جام‌جم پرتز برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش «وطن امروز» از کاهش ۱۰۴ میلیون بشکه‌ای ذخایر اضطراری آمریکا و تریدها درباره توان واکنش به شوک بعدی بازار نفت

آخرین بشکه‌ها



در نگاه نخست ممکن است گفته شود ۳۱۱ میلیون بشکه هنوز رقم بزرگی است.این برداشت از نظر حسابداری درست است اما از منظر امنیت انرژی کاملاً ناقص می‌ماند. ظرفیت اسمی ذخایر راهبردی آمریکا حدود ۷۱۴ میلیون بشکه است. بنابر این موجودی کنونی کمی بیش از ۴۰ درصد ظرفیت کامل آن است. مهم‌تر اینکه ذخایر آمریکا از دهه ۱۹۹۰ تا سال‌های اخیر عمدتاً بالای ۵۴۰ میلیون بشکه قرار داشت و در مقطعی به محدوده ۶۹۰ میلیون بشکه نیز نزدیک شده بود. به بیان ساده، مهم‌ترین بحران امروز آمریکا کوچک شدن «ضریب اطمینان» است.

■ **۱۷۲ میلیون بشکه روی کاغذ**
واشنگتن ۱۱ مارس اعلام کرد در چارچوب اقدام هماهنگ ۳۲ عضو اژانس بین‌المللی انرژی، ۴۰۰ میلیون بشکه نفت از ذخایر اضطراری کشورها وارد بازار خواهد شد. سهم آمریکا از این برنامه ۱۷۲ میلیون بشکه تعیین شد؛ یعنی بزرگ‌ترین سهم در میان اعضای این سازوکار. اما باید توجه داشت که اعلام آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت لزوماً به معنای تخلیه فوراً مخازن است. محوریات این برنامه بر «قراردادهای مبادله» استوار است؛ سازوکاری که در آن شرکت‌ها با دریافت نفت، موظف به بازگرداندن حجم مازاد در موعد مقرر می‌شوند. اجرای این سیاست باقراردادهای مام‌مارس آغاز شد و در مراحل بعدی نیز استمرار یافت.

تااواخر ژوئن، قراردادهای مربوط به حدود ۱۳۳ میلیون بشکه از برنامه ۱۷۲ میلیون بشکه‌ای متعقد شده بود. از همین رو، تفاوت میان رقم ۱۷۲ میلیون بشکه اعلام‌شده و کاهش حدود ۱۰۴ میلیون بشکه‌ای موجودی ۱۷۲ ژوئیه، به معنای وجود یک ذخیره پنهان بازار گشت گسترده نفت به مخازن نیست. بخش مهمی از حجم وعده داده‌شده هنوز در مرحله قرارداد، تحویل یا اجرای زمان‌بندی‌شده قرار داشته است.

این سازوکار البته یک مزیت دارد؛ برخلاف فروش قطعی، نفت در قالب مبادله واگذار شده و قرار است در آینده همراه با حق بیمه بازگردد. وزیر انرژی آمریکا گفته است به‌طور متوسط در برابر هر بشکه واگذارشده حدود ۱.۲۸ دلار نفت به ذخایر بازخواهد گشت و دولت انتظار دارد با اجرای این قراردادها، موجودی دوباره از مرز ۴۰۰ میلیون بشکه عبور کند.

اما «بازگشت در آینده» با «توان پاسخگویی امروز» تفاوت دارد. ذخیره‌ای که قرار است اواخر سال یا سال آینده بازسازی شود، نمی‌تواند در ماه‌های پیش رو به عنوان پشتوانه یک شوک تازه محاسبه شود.

■ **فاصله میان ۲ بحران**
است. مهم‌ترین مساله راهبردی برای ایالات متحده این فاصله نخست سال ۲۰۲۲، پس از حمله روسیه به اوکراین، ۱۸۰ میلیون بشکه از ذخایر راهبردی خود را آزاد کرد. سپس سال ۲۰۲۶ بار دیگر برای مقابله با اختلال گسترده ناشی از جنگ علیه ایران و بسته شدن مسیرهای

گروه اقتصادی؛ مواجهه با صحنه‌ای کم‌سابقه برای بازار نفت در طول ۵ ماه اخیر، علاوه بر نوسان شدید قیمت‌ها و تهدید امنیت عرضه در خلیج فارس، به فرسودگی و از کار افتادن یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای مدیریت بحران انرژی در آمریکا انجامید. ذخایر راهبردی نفت ایالات متحده که در نیم‌قرن گذشته قرار بود آخرین پشتوانه بزرگ‌ترین قدرت جهان در برابر اختلال‌های بزرگ عرضه باشد، اکنون در پایین‌ترین سطح خود از سال ۱۹۸۳ میلادی قرار گرفته است.

بر پایه داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا، موجودی این ذخایر در هفته منتهی به ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۶ به حدود ۳۱۱.۴ میلیون بشکه رسید. این رقم در پایان فوریه، یعنی پیش از آغاز جنگ، ۴۱۵.۴ میلیون بشکه بود. با این حال طی حدود ۱۳۹ روز، بیش از ۱۰۴ میلیون بشکه معادل تقریباً یک‌چهارم موجودی ذخایر، از مخازن راهبردی آمریکا خارج شده است.

اهمیت این ارقام در خود عدد ۳۱۱ میلیون بشکه خلاصه نمی‌شود. پرسش مهم‌تر این است؛ اگر بازار جهانی نفت بار دیگر با اختلالی بزرگ و یک شوک جدید روبه‌رو شود، آمریکا با چه میزان ذخیره، چه سرعتی در برداشت و چه ظرفیت عملیاتی، می‌تواند به بازار پاسخ دهد؟ پاسخ این پرسش نشان می‌دهد هرچند آمریکا هنوز ذخایری در اختیار دارد اما حاشیه مایور آن به طور محسوسی کاهش یافته است و از حیث راهبردی در برابر یک شوک جدید، امکان مایور عملیاتی به‌شدت پایینی خواهد داشت. این همان تفاوت مهم میان «داشتن نفت» و «داشتن توان راهبردی» است. ذخیره راهبردی زمانی ارزش امنیتی دارد که هم حجم کافی داشته باشد، هم بخش عمده آن قابل برداشت باشد. هم سازوکار امکان تحویل سریع نفت را حفظ کرده باشد و هم امکان استفاده مجدد از این ابزار پس از یک بحران وجود داشته باشد. در هر ۴ مورد، نشانه‌هایی از فشار فزاینده بر ذخایر آمریکا دیده می‌شود که با گذشته متفاوت است.

■ **کاهش ۲۵ درصدی ذخیره در کمتر از ۵ ماه**

در پایان فوریه، ذخایر راهبردی آمریکا حدود ۴۱۵.۴ میلیون بشکه داشت که در ۱۷ ژوئیه این رقم به ۳۱۱.۴ میلیون بشکه رسید. یعنی موجودی ذخایر راهبردی در فاصله‌ای کمتر از ۵ ماه حدود ۲۵ درصد کاهش یافته است. میانگین برداشت نیز نزدیک به ۷۵۰ هزار بشکه در روز بوده است. رقمی که اگر به مقیاس ماهانه تبدیل شود، به بیش از ۲۲ میلیون بشکه می‌رسد.

شتاب کاهش موجودی نیز در مقطعی افزایش یوده است. موجودی ذخایر راهبردی ابتدای ژوئن حدود ۳۹۹.۲ میلیون بشکه بود که در ۲۶ ژوئن به ۳۵۸.۷ میلیون بشکه رسید. در هفته منتهی به ۱۷ ژوئیه نیز بیش از ۵ میلیون بشکه دیگر از این ذخایر کاسته شد. این روند نشان می‌دهد روند کاهش موجودی تنها مربوط به برداشت در ماه‌های اول جنگ نبوده و آزادسازی ذخایر تا پایان ماه گذشته نیز ادامه داشته است.

قرار بود فوتبال، زبان مشترک

ملت‌ها باشد؛ ورزشی که جدا از مرز و سیاست، مردم در کنار هم قرار دهد. سال‌هاست فیفا

نیز با همین شعار اداره می‌شود؛ «فوتبال برای همه» و «دوری از



مهدی تاهری خاکی

سیاست». اما امروز شاید هیچ‌کس به اندازه رئیس فدراسیون

جهانی فوتبال، این شعارها را زیر سؤال نبرده باشد.

اتفاقات چند هفته اخیر نشان می‌دهد فوتبال بیش از هر زمان دیگری رنگ و بوی سیاست گرفته است؛ از ماجرای جنجالی لغو محرومیت فولارین بالوگان در جام جهانی ۲۰۲۶ گرفته تا گزارش‌هایی درباره تاشل جیانی اینفانتینو برای جلب حمایت دونالد ترامپ جهت حفظ صندلی ریاست فیفا، همه و همه تصویری متفاوت از نهادهی ارائه می‌کند که همواره مدعی استقلال از سیاست است. البته فیفا گزارش اخیر درباره تماس اینفانتینو با ترامپ را تکذیب کرده، اما اصل ماجرا بسیار فراتر از یک تکذیب رسانه‌ای است. واقعیت این است که طی سال‌های اخیر رابطه شخصی رئیس فیفا با رئیس‌جمهور آمریکا انقدر آشکار شده که دیگر کمتر کسی می‌تواند ادعا کند میان فوتبال و سیاست دیواری وجود دارد. نماد این نزدیکی را می‌توان در پرونده بالوگان مشاهده کرد؛ پرونده‌ای که به یکی از بحث‌برانگیزترین تصمیمات تاریخ ترخ جهان تبدیل شد. پس از اخراج مهاجم تیم ملی آمریکا، ترامپ شخصاً با اینفانتینو تملس گرفت و خواستار بررسی مجدد تصمیم‌شد. چندی

ادامه از صفحه اول

دولت‌ها شاید نتوانند نقش تسهیلگری در برگزاری آن داشته باشند اما نمی‌توانند فرمان دهند میلیون‌ها نفر با میل خود، دارایی و آسایش خویش را در اختیار غریبه

بگذارند. راهپیمایی اربعین قدرتی اجتماعی می‌افزیند که دولتها تنها قادر به پرهیزداری از آن هستند اما مالک آن نیستند.

■ **وقتی خدمت، معنای قدرت را تغییر می‌دهد**

دومین چارچوب، اربعین را نمایش وزن سیاسی شیعیان و عرصه مشروعیت‌سازی احزاب، مرجعیت، عتبات و حشد شعبی می‌داند. در این تحلیل، حضور نیروهای حشد در امنیت، درمان، حمل‌ونقل و خدمات‌رسانی، بخشی از فرایند تثبیت قدرت آنها در جامعه و ساختن تصویری از حکمرانی در میدان است، زیرا خدمت‌رسانی در آن جامعه می‌تواند همزمان معنای اعتقادی، اجتماعی و سیاسی داشته باشد. این برداشت ضمن آنکه بخشی از واقعیت عراق را نشان می‌دهد، به طور غیرمستقیم روند اجتماعی‌سازی قدرت سخت و شکل‌گیری قدرت نرم را هم نشان می‌دهد؛ روندی که یکی از راهبردهای مهم جریان مقاومت در منطقه و شیوه گسترش این جریان در میان ملت‌ها را می‌توان به‌خوبی با آن توضیح داد.

بخش دیگری از محتوای تولیدشده، اربعین را صرفاً به ابزار

بعد نیز محرومیت این بازیکن لغوشده تصمیمی که هرچند فیفا آن را نتیجه روند قضایی مستقل (معرفی کرد اما موجی از تردید درباره استقلال واقعی نهادهای تصمیم‌گیر این سازمان به وجود آورد. در فوتبال حرفه‌ای، مهتر از خود عدالت، باور عمومی به

پس از انتشار گزارش اختصاصی روزنامه نیویورک پست، موجی از واکنش‌ها علیه جیانی اینفانتینو شکل گرفت. این روزنامه نوشت: رئیس فیفا در پی افزایش فشارها برای استعفا می‌وی، به دنبال جلب حمایت دونالد ترامپ بوده و حتی تلاش کرده گفت‌وگویی خصوصی با مارکو رویو، وزیر خارجه آمریکا ترتیب دهد تا موقعیت خود را حفظ کند. به نوشته این رسانه، بحران از زمانی تشدید شد که طرح فروش بخشی از منافع تجاری جام جهانی به سرمایه‌گذاران خصوصی، از جمله شرکتی وابسته به جاش کوشر (برادر جرد کوشر داماد ترامپ)، با مخالفت شدید روبه‌رو شد. در گزارش نیویورک پست به نقل از یک منبع آگاه آمده است:

تلاش عجیب اینفانتینو برای چنگ انداختن به ریسمان ترامپ برای ماندن

بله! فوتبال با سیاست

اجرای عدالت است. وقتی رئیس‌جمهور کشور میزبان مستقیماً وارد یک پرونده انضباطی می‌شود و سپس همان پرونده به سود تیم کوشورش تغییر می‌کند، طبیعی است افکار عمومی نسبت به سلامت تصمیم‌گیران دچار تردید شود.

[اصل ماجرا چیست؟]

«اینفانتینو می‌خواست با رویو گفت‌وگو کند تا بررسی کند چگونه فوتبال می‌تواند به ابزار قدرت نرم آمریکا تبدیل شود اما همه می‌دانیم هدف اصلی این گفت‌وگو فقط حفظ جایگاه خودش بود.» این گزارش ادامه داد اینفانتینو پس از افزایش انتقادات و درخواست برخی فدراسیون‌ها برای کناره‌گیری‌اش، در تاشل است تا نفوذ سیاسی ترامپ برای ماندن در رأس فیفا استفاده کند. البته فیفا این موضوع را رد کرد. رسانه رسمی فیفا در حساب خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «رئیس فیفا در روزهای اخیر هیچ تماسی با رئیس‌جمهور

همین اتفاق باعث شد بسیاری از فدراسیون‌های عضو، رسانه‌های معتبر و حتی برخی سیاستمداران غرب، نسبت به عملکرد اینفانتینو موضع انتقادی بگیرند. امروز دیگر انتقادات تنها محدود به شیوه مدیریت او نیست، بلکه اصل استقلال فیفا زیر سؤال رفته است.

ایالات متحده با هیچ‌یک از اعضای دولت او نداشته است. این موضوع کاملاً شاذی است.» با این حال، این تکذیب در شرایطی منتشر شد که تنها چند هفته قبل خود اینفانتینو تأیید کرد درباره پرونده محرومیت فولارین بالوگان با دونالد ترامپ گفت‌وگو داشته است؛ موضوعی که جنجال گسترده‌ای درباره استقلال نهاد قضایی فیفا ایجاد کرد. همچنین در هفته‌های اخیر، رسانه‌های معتبر از جمله گاردین گزارش داده‌اند روابط نزدیک اینفانتینو با ترامپ اکنون حتی توجه کنگره آمریکا را نیز جلب کرده و در خواست‌هایی برای ارائه اسناد مربوط به ارتباطات فیفا با دولت ترامپ مطرح شده است.

اربعین روی میز اندیشه‌کدها؛ منشأ این قدرت کجاست؟

می‌مانند اما برابری، ایثار و برادری در این رویداد به تمامی قابل لمس می‌شود. ژاژ می‌بیند صاحبخانه‌ای عراقی بهترین اتاقش را در اختیار او می‌گذارد و خانواده‌ای با زندگی ساده، روزها برای پذیرایی هزینه می‌کند. این تجربه از هزاران سخنرانی درباره ایستدگی راهپیمایی اربعین می‌روند هم دیده شده‌اند و در مسیر نجف تا کربلا به حافظه‌ای پیوند می‌خورند که از نسل‌ها و دولت‌ها عبور کرده است. البته همچنان تعلق رویداد به شیعیان پرتنگ است و به نوعی «وطن‌سپار شیعیان» نامیده می‌شود.

■ **کربلا؛ شهری بیرون از منطق بازار** یکی از بدیع‌ترین خوانش‌های خارجی از اربعین آن را در برابر ساختار امنیتی شهر در عراق قرار می‌دهد؛ در تقابل با دیوارهای بتنی، ایست‌های بازرسی و فضا‌های محصور. در این نگاه، زائران و مواکب در حاشیه نظم رسمی، شهری موقت می‌سازند که در آن غذا، استراحت، درمان و جابه‌جایی تا حد زیادی رایگان است و رابطه انسان‌ها نه بر مبادله پولی، بلکه حول مراقبت متقابل شکل می‌گیرد و بر همکاری استوار می‌شود. شاید مهم‌ترین

کشف علوم اجتماعی درباره اربعین این باشد که آن را به مثابه پیشبندهای تمدنی تفسیر می‌کند. برای چند روز، انسان‌ها جهانی را تجربه می‌کنند که در آن همه به معنای واقعی «انسان»‌اند و غریبه بودن، هیچ‌کس را از محبت محروم نمی‌کند. اما واقعاً راز اثرگذاری اربعین چیست؟ پاسخ احتمالاً در «قابلیت تجربه شدن آن» است. بسیاری از آرمان‌های اخلاقی در کتاب‌ها باقی



بازارایی نقش‌های بازار سهم بزرگ‌تری خواهد داشت. از سوی دیگر، فرسودگی ابزارهای مدیریت بحران در آمریکا، اهرم‌های فشار ایران را در تقابل‌های راهبردی تقویت کرده است. با کاهش سطح ذخایر راهبردی آمریکا، حساسیت بازار به امنیت زیرساخت‌های انرژی و مسیرهای حیاتی مانند تنگه هرمز دوچندان می‌شود. این وضعیت، دست ایران را برای به چالش کشیدن ثبات انرژی و اعمال فشار بر آمریکا از طریق هدف قرار دادن زیرساخت‌های کلیدی بازر می‌کند و قدرت چانه‌زنی کشور را در بحران‌های احتمالی آینده به شکل معناداری افزایش داده است.

■ **آخرین سیر هم فرسوده می‌شود**

ذخایر راهبردی نفت آمریکا هنوز تمام نشده است و تعبیر «توانایی کامل» درباره آن دقیق نیست. حتی با موجودی حدود ۳۱۱ میلیون بشکه، ایالات متحده همچنان یکی از بزرگ‌ترین ذخایر اضطراری نفت جهان را در اختیار دارد. دولت آمریکا نیز برنامه بازسازی ذخایر را دنبال می‌کند و قرار دادهای مبادله‌شده می‌تواند در آینده موجودی را افزایش دهد. اما مساله اصلی جای دیگری است؛ یک ذخیره راهبردی باید بتواند در برابر «شوک بعدی» نیز اعتبار خود را حفظ کند. وقتی ذخیره در چند سال پیاپی برای بحران‌های بزرگ مورد استفاده قرار گرفته، موجودی آن به پایین‌ترین سطح چهره دهه اخیر رسیده و همزمان زیرساخت آن با مشکلات فرسایشی روبه‌رو است، نمی‌توان قدرت بازدارندگی آن را درباره‌ای مقایسه کرد که مخازن به سطوح تاریخی خود نزدیک بودند.

حتی برنامه بازگشت نفت نیز زمان می‌خواهد. وزیر انرژی آمریکا امیدوار است ذخایر با بازپرداخت‌های قراردادی دوباره از ۴۰۰ میلیون بشکه عبور کند و حتی در آینده به بیش از ۵۰۰ میلیون بشکه برسد. اما این هدف متعلق به مرحله بازسازی است، نه موجودی آماده برای بحران امروز.

■ **جمع‌بندی**

آمریکا در بحران اخیر توانست بخشی از شوک وارده به بازار ارامهر کند اما هزینه این مداخله، کوچک شدن آخرین سیر نفتی آن بود. اکنون ایالات متحده ناچار است پیش از آنکه بحران بعدی از راه برسد، این سیر را دوباره بسازد. برای بازار جهانی نفت، این یک تغییر کوچک نیست. کشوری که دهه‌ها یکی از مهم‌ترین تکیه‌گاه‌های اضطراری بازار بود، اکنون خود در مرحله بازسازی ذخیره قرار دارد. اگر شوک دیگری پیش از تکمیل این بازسازی رخ دهد، دیگر نمی‌توان با اطمینان گفت آمریکا همان ظرفیتی را در اختیار دارد که در ابتدای جنگ داشت. معروف است که قدرت آمریکا، نه از اقتصاد انرژی، بلکه فاصله میان آنچه در مخزن مانده و آنچه در لحظه بحران می‌توان از آن برداشت کرد، معیار واقعی قدرت است. این فاصله برای آمریکا در ماه‌های اخیر بیش از پیش کوچک شده است.

در کنار این حواشی، طرح فروش بخشی از منافع اقتصادی جام جهانی به سرمایه‌گذاران خصوصی نیز فشارها را دوچندان کرد. منتقدان معتقدند جام جهانی میراث فوتبال است، نه کالایی برای معامله‌های تجاری پشت درهای بسته. وقتی نام نزدیکان خانواده ترامپ نیز در میان سرمایه‌گذاران احتمالی مطرح شد، حساسیت‌ها چند برابر شد و بسیاری این پروژه را نمونه‌ای دیگر از درهم‌آمیختگی سیاست، اقتصاد و فوتبال دانستند. اینفانتینو سال‌ها درباره استقلال فوتبال سخن گفت اما عملکردش تصویری متفاوت ساخته است. او بیش از هر رئیس دیگری در کنار سیاستمداران دیده شده، بیش از هر زمان دیگری روابط شخصی خود را به نمایش گذاشته و اکنون نیز بخشی مهمی از انتقادات متوجه همین نزدیکی‌هاست.

فوتبال محبوب شد چون مردم باور داشتند نتیجه مسابقه را بازیکنان داخل زمین تعیین می‌کنند، نه سیاستمداران پشت درهای بسته. اگر این اعتماد از بین برود، بزرگ‌ترین سرمایه فوتبال نیز از بین خواهد رفت. شاید فیفا امروز بتواند با انتشار بیانیه یا تکذیب رسانه‌ای از کنار این حواشی عبور کند اما سؤال اصلی همچنان پابرجاست: نهادهی که سال‌ها شعار «دوری از سیاست» سر می‌داد، هنوز می‌تواند مدعی بی‌طرفی باشد؟

تقریباً همه پژوهش‌ها و روایت‌ها به یادباید پذیرفت دوران جیلانی اینفانتینو، بیش از هر مقطع دیگری، فوتبال را به سیاست گره زده است؛ اتفاقی که شاید بزرگ‌ترین شکست مدیریتی تاریخ فیفا باشد.

مراقبت و ایستادگی در برابر تحقیر انسان است، نه صرفاً

گردهمایی برای برگزاری یک مراسم سنتی که جنبه یادبود برای رخدادی در ۱۴۰۰ سال پیش دارد. پژوهشگری عنوان می‌کند کربلا اکنون فرامشی است، و فعالان اربعینی در اروپا، پیام کربلا را با مفاهیمی چون عدالت، آزادی، عشق، فداکاری و مقاومت در برابر ظلم ترجمه می‌کنند و این ترجمه، در واقع کشف زبان مشترک انسان‌ها برای شنیدن پیام ماشو است.

■ **قدرت اربعین از کجا می‌آید؟**

تقریباً همه پژوهش‌ها و روایت‌ها به قدرت اربعین اذعان می‌کنند و اختلاف بر سر منشأ قدرت است؛ اربعین محصول مهندسی دولت‌هاست یا ابزار احزاب و نیروهای سیاسی است یا نیرویی اجتماعی، تاریخی و چندمرکزی که بازیگران مختلف می‌کوشند آن را نمایندگی یا مصداق آن شاهده میانی بیش از هر چیز از پاسخ سوم پشتیبانی می‌کنند. اربعین اثر ژئوپلیتیک دارد اما سرچشمه آن شبکه‌های فرامرزی معنا و اعتماد است. جهان اندیشه‌کده‌ها، هر چند گاه با عینک رقابت بر سر

قدرت به اربعین می‌نگرد، ناخواسته یک حقیقت را ثبت کرده است: در روز گاری که فرد گرایب، بازار و ترس، پیوندهای انسانی را فرسوده‌اند، جاده کربلا هنوز می‌تواند میلیون‌ها نفر را حول بخشش، وفاداری و امید سازمان دهد. اربعین تصویری آزمایشی از آینده‌ای است که در آن، انسان معنای واقعی خود را پیدا می‌کند.